

اصول و مبانی حاکم بر قرار ترک تعقیب در حقوق کیفری ایران

رضا حسن نژاد عمرانی^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

کد مقاله: JHVMN-2404-1211

چکیده

یکی از مصادیق اصل متناسب بودن تعقیب، قرار ترک تعقیب است، به طوری که صدور این قرار، زمینه اصلاح متهمانی را که تحت تأثیر عوامل جرم‌زای پیرامون خود مرتکب جرم شده‌اند و بر تعقیب آن‌ها اثر سودمندی مترتب نیست، فراهم می‌کند و امکان بازگشت ایشان به جامعه را ایجاد نموده و از سوی دیگر با جلوگیری از طرح دعاوی کم‌اهمیت، امکان رسیدگی دقیق‌تر به پرونده‌های کیفری مهم را فراهم و با جلوگیری از اطاله دادرسی، به دستگاه قضایی کمک می‌کند. بر این اساس، روش انجام تحقیق؛ توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای نگارش شده است. در نهایت خواهیم یافت با وجود آن که صدور این قرار هم به نفع متهم و هم به نفع شاکی می‌باشد و از این طریق امکان جبران خسارت شاکی بیشتر فراهم می‌شود، مقام قضایی تمایل چندانی به تشویق شاکی به درخواست ترک تعقیب در جرایم قابل گذشت و صدور این قرار ندارند و حتی تعداد پرونده‌هایی که با وجود فراهم بودن شرایط مقرر قانونی، در مورد آن‌ها قرار ترک تعقیب صادر شده، بسیار اندک بوده و این بدان علت است که هنوز تفکر پذیرش این تأسیسات ارفاق‌آمیز توسط قضات ایجاد نشده و ایشان معتقدند این تأسیسات ارفاق‌آمیز صرفاً نوعی تدابیر اصلاحی هستند که فاقد جنبه بازدارندگی هستند و نمی‌توانند مانند سایر مجازات‌ها قابلیت اجرایی و کارایی داشته باشند. از سوی دیگر در موارد معدودی که قضات مبادرت به صدور قرار ترک تعقیب می‌نمایند، صرفاً به منظور اجتناب از تعداد پرونده‌ها است.

واژگان کلیدی: ترک تعقیب، شاکی، دادستان، دادسرا.

^۱ کارشناس حقوق، مؤسسه آموزش عالی فاران مهر دانش و کارشناس علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری، دانشگاه تبریز. (نویسنده مسئول)



مقدمه

در حقوق کیفری ایران، جایگزین‌های تعقیب، مجموعه شیوه‌ها و اقداماتی است که توسط قانون‌گذار پیش بینی شده تا دادستان به عنوان مقام تعقیب به جای پیگرد دعوی عمومی در راستای اصلاح و باز اجتماعی کردن فرد و تضمین حقوق بزه دیده از آن‌ها استفاده کند. بر این اساس، از شیوه‌های جایگزین تعقیب، صدور قرار ترک تعقیب است و مبنای شکل‌گیری این تأسیس حقوقی را از طرفی می‌توان متأثر شدن قانونگذار از دستاوردهای علم بزه دیده شناسی دانست که در فرایند رسیدگی و جهت‌گیری‌های قضایی و نیز در طرح، تعقیب و به طور کلی سرنوشت دعوی کیفری، ارزش بیشتر به خواسته‌های شاکی خصوصی داده می‌شود. از جهت دیگر مبنای آن برگرفته از جنبش گسترده‌تر تحت عنوان عدالت ترمیمی است (شاکری و خدابخشی پالندی، ۱۳۸۹: ۱۷۱) که در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده و در جرایم قابل گذشت قابل صدور است، آن هم به تقاضای شاکی و در بازه زمانی قبل از صدور کیفرخواست و از وظایف دادستان است، البته دادیاران و معاون دادستان با موافقت دادستان می‌توانند قرار ترک تعقیب صادر نمایند، ولی بازپرس این حق را نداشته و در صورتی که نظر به ترک تعقیب داشته باشد باید تقاضای ترک تعقیب را از دادستان نماید و ایشان قرار ترک تعقیب صادر می‌نماید. بنابراین در مواردی منفعت شخص زیان دیده از منافع عمومی پیشی می‌گیرد و قانونگذار به وی اختیار داده است تا درخواست خود مبنی بر ترک تعقیب را اعلام نماید. (یوسفی، ۱۴۰۱: ۴۰۶) بر این اساس، جایگزین‌های تعقیب (قرار ترک تعقیب) دعوی عمومی یکی از جلوه‌های بارز اصل مقتضی بودن تعقیب دعوی عمومی با هدف تضمین حقوق بزه‌دیده و اصلاح فرد بوده و درصدد آن است که اعتبار از دست رفته نظام عدالت کیفری را در این خصوص به آن اعاده کند، زیرا در این نگاه، دادستان با توجه به شخصیت متهم، جرم ارتكابی و میزان ضرر و زیان وارده از یک سو درصدد آن است که واکنش کیفری را به گونه‌ای سازمان بخشد که بر شخص مؤثر واقع شود و از سوی دیگر زمینه بازگشت او به جامعه و فعالیت‌های اجتماعی را فراهم کند. (کوشکی، ۱۳۸۹: ۳۴۶) در قانون آیین دادرسی کیفری، قرار ترک تعقیب در ردیف قرارهای قابل اعتراض قید نشده، لذا باید آن را قطعی تلقی نمود و فقط بنا به درخواست شاکی خصوصی ظرف یکسال از تاریخ صدور قابل رسیدگی مجدد است و پس از یکسال اعتبار امر مختومه پیدا می‌کند. با توجه به اینکه وضع و پیش بینی قرار ترک تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری مبتنی بر مبنای خاصی است. بی‌تردید شناخت و تبیین این مبنای، پذیرش این قرار را تسهیل نموده و کارکرد آن نیز مشخص می‌شود.



بنابراین در این پژوهش، اصول و مبانی حاکم بر قرار ترک تعقیب در حقوق کیفری ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- مفهوم شناسی

قرار ترک تعقیب در معنای اصطلاحی آن، قرار است که به موجب آن تعقیب و تحقیق جرم ارتكابی متوقف می‌شود. به بیان دیگر، به این معناست که پروسه تعقیب متهم و تحقیق پیرامون پرونده به درخواست شاکی متوقف می‌گردد. بر این اساس مطابق با ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند. در ماده فوق‌الذکر نکات مهمی به چشم می‌خورد. مهمترین نکته اشاره ماده به جرایم قابل گذشت است. بنابراین قرار ترک تعقیب برای جرایم غیرقابل گذشت صادر نمی‌گردد. نکته مهم بعدی صدور قرار ترک تعقیب قبل از صدور کیفرخواست است. یعنی صدور این قرار قبل از پایان تحقیقات مقدماتی امکان پذیر است. همانطور که در متن ماده ذکر شده، صدور قرار ترک تعقیب فقط با درخواست شاکی پرونده میسر می‌شود و هیچ شخصی دیگری به غیر از شاکی نمی‌تواند آن را تقاضا کند. در نهایت اینکه شاکی پرونده این حق را دارد که تا یک سال پس از صدور قرار ترک تعقیب مجدداً و فقط برای یکبار خواستار تعقیب متهم و رسیدگی به پرونده شود. صدور این قرار فقط از طریق دادسرا امکان‌پذیر است و به هیچ عنوان در صلاحیت دادگاه قرار ندارد. البته یک استثنای مهم در این زمینه وجود دارد. در رابطه با پرونده‌هایی که تحقیقات مقدماتی آن در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های کیفری قرار دارد و جرم از نوع قابل گذشت است، صدور قرار ترک تعقیب از طریق دادگاه و توسط قاضی امکان‌پذیر خواهد بود. با صرف نظر کردن شاکی از شکایت خود در جرایم قابل گذشت امکان توقف رسیدگی وجود دارد و در نتیجه تعقیب متهم منتفی خواهد شد. اما تقاضای صدور قرار ترک تعقیب با رضایت و گذشت شاکی متفاوت است، به طوری که در صدور قرار ترک تعقیب برای شاکی این حق قانونی وجود دارد که مجدداً خواستار تعقیب قضایی متهم شود و در چنین وضعیتی رسیدگی به پرونده مجدداً آغاز خواهد شد. به نظر می‌رسد که قرار ترک تعقیب مختص شرایطی است که بین شاکی و متهم نوعی توافق صورت پذیرفته و با برخی شروط شاکی راضی به صدور قرار ترک تعقیب شده است. قرار ترک تعقیب پرسش‌های زیادی را به شرح ذیل ایجاد می‌کند:



۱-۱- اثر درخواست ترک تعقیب حین رسیدگی دادگاه در جرایم قابل گذشت

سؤالی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه در صورتی که پرونده به دادگاه ارسال و در حال رسیدگی باشد و شاکی در موارد جرایم قابل گذشت درخواست ترک تعقیب نماید، تکلیف دادگاه در این خصوص چیست؟^۱

نظر هیأت عالی:

صدور قرار ترک تعقیب موضوع ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری از شئون دادستان است تا زمانی که پرونده در دادسرا مطرح است با حصول شرایط مقرر قانونی مبادرت به صدور قرار ترک تعقیب می‌کند و پس از صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه موجبی برای اعاده پرونده به دادسرا جهت صدور قرار ترک تعقیب وجود ندارد.

نظر اکثریت:

با توجه به تصریح ماده قانونی مورد سؤال، در صورت اعلام تقاضای شاکی مبنی بر ترک تعقیب بعد از صدور کیفرخواست، دادگاه با تکلیفی مواجه نخواهد بود و این تقاضا اقدامی ندارد و دادگاه با توجه به محتویات پرونده تصمیم مقتضی را صادر می‌نماید. صدور قرار ترک تعقیب از شئون مرحله تعقیب و دادسرا می‌باشد.

نظر اقلیت:

با توجه به اعلام تقاضای ترک تعقیب می‌بایست پرونده با تصمیم دادگاه به دادسرا ارسال تا دادستان نسبت به این تقاضا اعلام نظر نماید.

۱-۲- درخواست ترک تعقیب

پرونده‌ای تحت عنوان کیفری قابل گذشت مطرح نموده که مقام قضایی به تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ مبادرت به صدور قرار منع تعقیب می‌نماید (به لحاظ فقد ادله) و دادستان نیز به تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۲ آن را تایید می‌کند، لیکن در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۳ از طریق پرینت دفتر لایحه ترک تعقیب از طرف شاکی به رویت قاضی می‌رسد که در صدر آن تاریخ تقدیم لایحه ۱۴۰۰/۱/۲۰ قید شده است

^۱ صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۳ برگزار شده توسط: استان اصفهان / شهر شهرضا.



توضیح آنکه لایحه مذکور در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۰ دفتر خدمات قضایی ثبت شده لیکن به هر علتی ۱۴۰۰/۱/۲۳ به رویت قاضی می‌رسد. اولاً ملاک تقدیم تاثیر این لایحه کدام تاریخ است؟ ثانیاً تکلیف دادسرا در خصوص قرار صادره چه می‌باشد؟^۱

نظر هیأت عالی:

در فرض پرسش که پرونده امر منتهی به صدور قرار منع تعقیب شده است موجهی جهت صدور قرار ترک تعقیب وجود ندارد هرچند تقاضای ترک تعقیب قبل از صدور قرار منع تعقیب از سوی شاکی تقدیم دفتر خدمات قضایی شده باشد. بدیهی است که صدور قرار منع تعقیب، نافذ حق اعتراض شاکی به قرار صادره (به لحاظ تقاضای ترک تعقیب قبلی) نخواهد بود.

نظر اکثریت:

این که قانون در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری از عبارت تا قبل از صدور کیفرخواست اشاره نموده اول اینکه بعد از جلب دادرسی کیفرخواست با اندکی برای دادگاه ارسال می‌شود یعنی مقنن می‌گوید حتی اگر قرار قضایی به (جلب به دادرسی) صادر شد ولی هنوز کیفرخواست ارسال نشده درخواست شاکی مبنی بر صدور قرار ترک تعقیب را قبول کنیم. لفظ تا قبل از صدور کیفرخواست را باید این طور تفسیر کرد و نه اینکه حتماً باید عقیده بر جلب به دادرسی داشته باشیم و اما در خصوص موضوع سوال ملاک تاریخ تقدیم و ثبت در دفاتر خدمات قضایی است مانند دادخواست که ملاک تقدیم آن تاریخ ثبت در دفتر شعبه اول حقوقی است و نه تاریخ ارجاع به شعبه رسیدگی کننده و اما اینکه در خصوص تکلیف دادسرا به نظر می‌رسد تنها راه حل این است که شاکی در مورد مقرر اعتراضی کند و پرونده به شعبه دادگاه کیفری دو جهت رسیدگی به اعتراض برود (چنانچه شاکی خواهان رسیدگی و صدور قرار جلب به دادرسی را داشته باشد).

نظر اقلیت:

عقیده به آن است و فق ماده ۷۹ از قانون آیین دادرسی کیفری شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست، درخواست ترک تعقیب بدهد این به این معنی است که اگر پرونده قابلیت صدور قرار جلب به دادرسی داشته باشد شاکی می‌تواند تقاضای ترک تعقیب بدهد یعنی اگر فرد این تقاضا را داد ولی نظر قاضی صدور قرار منع تعقیب باشد سپس قاضی باید بر مبنای خود صدور قرار منع

^۱ صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۲ برگزار شده توسط: استان گلستان/ شهر بندر ترکمن.



تعقیب عمل کند در اینجا اصلاً بحث بر سر دلیل داشتن یا نداشتن نیست. چنانچه دلیل وجود داشت یعنی پرونده معد قرار جلب به دادرسی بود در اینجا در صورت درخواست شاکی قرار ترک تعقیب صادر می‌شود و اگر دلیلی نبود دیگر توجهی به ترک تعقیب ننموده که قرار منع تعقیب صادر می‌کنیم یک منطوق قدیمی است که می‌گوید اصل بر براءت متهم است ممکن است شخص از روی عداوت شکایت کند ولی چون دلیل ندارد بلافاصله درخواست ترک تعقیب می‌دهد در اینجا چنانچه دلیلی نباشد ما باید پرونده را با صدور قرار منع تعقیب پیگیری نکنیم.

۱-۳- امکان صدور قرار ترک تعقیب برای متهم ناشناس

آیا امکان صدور قرار ترک تعقیب در مواردی که متهم مشخص نمی‌باشد، وجود دارد؟^۱

نظر هیأت عالی:

در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری تقاضای شاکی و قابل‌گذشت بودن جرم شرط اجابت درخواست ترک تعقیب از سوی مقام تعقیب (دادستان) می‌باشد؛ ظاهراً نامشخص بودن متهم موثر در مقام نیست.

نظر اکثریت:

تقاضای ترک تعقیب صرفاً یک حق برای شاکی است و مشخص بودن یا مشخص نبودن متهم تاثیری در صدور قرار ندارد. وقتی متهمی که مشخص است برای او قرار ترک تعقیب صادر می‌شود، به طریق اولی برای متهمی که ناشناس است هم می‌توان قرار ترک تعقیب صادر نمود.

نظر اقلیت:

قرار ترک تعقیب در دادسرا و در خصوص جرائم قابل‌گذشت صادر می‌گردد و معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که: میان شاکی و متهم توافقاتی صورت گیرد تا بر مبنای آن تعقیب متهم تا یک سال متوقف می‌شود، عملی که به متهم منتسب شده است جرم نباشد، یا این‌که عمل انتسابی به متهم جرم است؛ ولی دلیل کافی برای توجه اتهام به متهم در پرونده وجود ندارد. اما اگر متهم به تعهد خود در ظرف یک سال، عمل ننماید، شاکی می‌تواند فقط برای یک مرتبه دیگر، تقاضای تعقیب مجدد متهم را بنماید؛ فلذا حتماً باید متهم مشخص باشد.

^۱ صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۲ برگزار شده توسط: استان فارس/ شهر کازرون.



۱-۴- امکان صدور قرار ترک تعقیب توسط دادسرا پس از اعتقاد دادگاه به قرار جلب به دادرسی

چنانچه دادسرا در خصوص اتهام توهین، قرار منع تعقیب صادر نماید و شاکی در مهلت مقرر نسبت به قرار صادره اعتراض نموده و دادگاه کیفری پس از بررسی، قرار منع تعقیب را نقض و اعتقاد به قرار جلب به دادرسی داشته و پرونده جهت تفهیم اتهام و... به دادسرا اعاده گردد و شاکی در این مرحله درخواست ترک تعقیب نماید؛ آیا بازپرس یا دادیار می‌تواند قرار ترک تعقیب صادر نماید یا باید از نظر دادگاه تبعیت نماید؟^۱

نظر هیأت عالی

به نظر می‌رسد در فرض سوال، علی‌رغم صدور قرار جلب به دادرسی صدور قرار ترک تعقیب در صورت فراهم بودن شرایط آن فاقد منع قانونی است و در صورتی که تقاضای شاکی به بازپرس ارائه شود ایشان مراتب را به دادستان یا جانشین وی جهت اتخاذ تصمیم اعلام می‌کند.

نظر اکثریت

تعقیب مرتکب به ارتکاب جرم از وظایف دادستان است و حسب ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، شاکی می‌تواند از دادستان درخواست ترک تعقیب نماید و این درخواست، محدود به وقت است و تا قبل از صدور کیفرخواست شاکی فرصت دارد که درخواست ترک تعقیب نماید و صدور قرار ترک تعقیب در صلاحیت دادگاه نمی‌باشد چرا که دادگاه صرفاً در خصوص احراز وقوع جرم یا عدم وقوع جرم یا انتساب یا عدم انتساب آن به مرتکب اظهار نظر می‌نماید. بنابراین بازپرس صرفاً با ضمیمه نمودن درخواست شاکی در پرونده و بدون تاثیر آن در مسیر پرونده، اقدام مورد نظر دادگاه را در خصوص قرار جلب به دادرسی انجام می‌دهد و چنین درخواستی از ناحیه شاکی در مرحله دادگاه بی‌اثر است.

نظر اقلیت

در خصوص سوال فوق، می‌توان اظهار داشت که چون اراده‌ی جدیدی اتفاق افتاده است و می‌تواند در نتیجه رای دادگاه اثرگذار باشد مطلوب، آن است که با درج درخواست ترک تعقیب در پرونده،

^۱ صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۱۱ مورخ برگزار شده توسط: استان کردستان/ شهر سقز.



بازپرس جهت ارشاد، پرونده را به دادگاه ارسال نماید تا دادگاه موضوع را بررسی نماید و نتیجه را به دادسرا اعلام نماید و نمی‌توان به درخواست شاکی بی‌تفاوت ماند.

نظر ابرازی

بازپرس صرفاً با ضمیمه نمودن درخواست شاکی در پرونده و بدون تأثیر آن در مسیر پرونده، اقدام مورد نظر دادگاه را در خصوص قرار جلب به داری انجام می‌دهد و دادگاه اقدام به صدور قرار ترک تعقیب می‌نماید و عبارت (قبل از صدور کیفرخواست) در ماده ۷۹ قانون فوق‌الذکر از باب غلبه است و منافاتی با اختیار دادگاه در صدور قرار ترک تعقیب ندارد.

۱-۵- صدور قرار ترک تعقیب بدون ارجاع دادستان

آیا دادیار بدون ارجاع دادستان حق صدور قرار ترک تعقیب را دارد؟^۱

نظر هیأت عالی

صدور قرار ترک تعقیب موضوع ماده ۷۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از اختیارات دادستان است. با این حال، دادستان می‌تواند صدور قرار ترک تعقیب را نیز به دادیار ارجاع نماید و با توجه به ماده ۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در اموری که از طرف دادستان به دادیار ارجاع می‌شود، وی در امور محوله، تمام وظایف و اختیارات دادستان را دارد؛ و لذا در فرض عدم ارجاع موضوع فوق‌الذکر به دادیار از سوی دادستان، دادیاری که صرفاً امر تحقیقات مقدماتی به او محول شده؛ فاقد اختیار در صدور قرار ترک تعقیب است و در صورت وجود شرایط قانونی در صدور قرار ترک تعقیب، باید مراتب را به دادستان اعلام نماید. بنابراین نظریه اکثریت قضات محترم دادگستری تهران در حدود فوق‌الذکر مورد تأیید است.

نظر اکثریت

خیر، دادیار تحقیق در این زمینه دقیقاً همانند بازپرس است. بر اساس ماده ۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادیار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله تمام وظایف و اختیارات دادستان را دارند.» منظور از امر در این ماده، «امر تحقیق» است. صدور قرار ترک تعقیب یک امر «تعقیبی» و از وظایف دادستان است و در صورتی که این امر به

^۱ صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۱۲ برگزار شده توسط استان تهران/ شهر تهران.



دادیار محول نشده باشد (مانند صدور کیفرخواست که به دادیار ارجاع می‌شود) وی چنین اختیاری را ندارد. به نظر می‌رسد که ارجاع کلی این اختیار نیز ممکن نیست و نیاز به اذن و ارجاع موردی دارد.

نظر اقلیت

بر اساس ماده ۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادیار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله تمام وظایف و اختیارات دادستان را دارند.» منظور از امر در این ماده، «رسیدگی به یک پرونده» است. هنگامی که دادیار به یک پرونده رسیدگی می‌کند، درست مانند این است که دادستان به آن امر رسیدگی می‌کند. تنها چیزی که استثناء شده است به موجب ماده ۹۲ این قانون «قرارهای نهائی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم» است که باید به تأیید دادستان برسد. در باقی موارد دادیار در امور مربوط به آن پرونده همانند دادستان عمل می‌کند. به عبارتی کلیه وظایف و اختیارات تعقیبی و تحقیقی دادستان را در آن پرونده دارد و برای صدور قرار ترک تعقیب نیاز به ارجاع این امر به دادیار نیست. در انجام سایر وظایف تعقیبی که بازپرس فاقد آن اختیارات است (مانند تعیین قیم موقت) نیز دادیار می‌تواند بدون اخذ ارجاع از دادستان عمل نماید، مگر اینکه دادستان عدم انجام مستقل این‌گونه وظایف را به دادیار اعلام نموده باشد. به عبارتی اصل واگذاری را قانونگذار انجام داده است، اما این واگذاری مانع از ایجاد محدودیت در وظایف توسط دادستان نیست. در صورتی که دادیار تحقیق را فاقد این اختیارات بدانیم، متن ماده ۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری لغو خواهد شد. در صورتی این ماده معنادار خواهد بود که اختیارات دادستان در یک پرونده را به طور کامل برای دادیار قائل شویم.

۲- شرایط صدور قرار ترک تعقیب

یکی دیگر از جلوه‌های عدالت ترمیمی و مجازات‌های جایگزین، قرار ترک تعقیب می‌باشد. این قرار یکی از ساز و کارهای جایگزینی تعقیب است که از رهگذر آن حدود اختیارات دادستان در ختم تعقیب دعوای عمومی با توسل به آن توسعه یافته است. بر این اساس، صدور قرار ترک تعقیب از وظایف و اختیارات ویژه دادستان است و بازپرس حق صدور قرار ترک تعقیب را ندارد و باید به دادستان پیشنهاد دهد. در پرونده‌هایی که به طور مستقیم به دادگاه ارجاع می‌شود دادگاه رسماً می‌تواند این قرار را صادر کند و پس از صدور ترک تعقیب شاکی فقط یک بار می‌تواند درخواست تعقیب مجدد نماید و درخواست تعقیب مجدد متهم توسط شاکی حداکثر تا یک سال از تاریخ



صدور قرار ترک تعقیب امکان پذیر است و پس از یک سال اعتبار امر مختوم پیدا می‌کند. در این سیستم دادستان اختیار بسیار وسیعی در تصمیم به تعقیب یا عدم تعقیب کیفری دارد. به عبارت دیگر دادستان می‌تواند با سنجش موضوع و تشخیص مصالح کلی، هر چند وقوع جرم محرز و مدلل باشد مع هذا، نظر به جهات خاصی سوای علل تعیین شده در قوانین جزائی، از تعقیب کیفری خودداری کند و دستور بایگانی پرونده را بدهد. شرط اعمال این سیستم این است که تعقیب کیفری منحصرأ و رأساً متعلق به دادسرا باشد و موانعی برای تعقیب جرم وجود نداشته باشد. حدود اختیار دادستان در استفاده از سیستم موقعیت داشتن تعقیب کیفری در کشورهایی که این قاعده را پذیرفته‌اند متفاوت است؛ در فرانسه اختیار دادستان در این زمینه محدود است به مرحله شروع یا ابتدای رسیدگی. لیکن به محض اینکه نتیجه سنجش دادسرا تصمیم به تعقیب کیفری بود و پرونده وارد مرحله رسیدگی و تحقیقات مقدماتی شد، دادستان تابع قاعده قانونی بودن تعقیب است و حق ندارد با عدول از تصمیم اولیه، تعقیب را به علت موقعیت نداشتن ترک و یا از ادامه آن خودداری کند. در حالی که در برخی دیگر از کشورها دامنه شمول استفاده از این قاعده کلی است. یعنی به دادستان اختیار داده شده، در تمام مراحل، حتی در مرحله رسیدگی دادگاه‌های کیفری، اعم از بدوی، پژوهشی و فرجامی، در صورت سنجش و موقعیت نداشتن، از تعقیب کیفری و دعوی عمومی امتناع ورزد و مانع ادامه رسیدگی بازپرسان و یا دادگاه‌های کیفری شود. در فرانسه، استفاده دادستان از قاعده موقعیت داشتن تعقیب کیفری کلی و شامل جرائم سه گانه خلاف، جنحه و جنائی است. به علاوه برای تشخیص موقعیت داشتن یا نداشتن تعقیب، ضابطه قانونی وجود ندارد. دادستان مخیر است به تشخیص خود و با در نظر گرفتن عواملی، چون کم اهمیت بودن جرم ارتكابی، سنگینی هزینه دادگستری، گذشت شاکی خصوصی، لزوم اصلاح و تربیت متهم، مالی بودن جرم ارتكابی (جرم خیانت در امانت، صدور چک بلامحل، برخی سرقت‌ها) و بالاخره عوامل فردی و اجتماعی از تعقیب کیفری انصراف دهد. تصمیم دادسرا در عدم تعقیب کیفری به لحاظ موقعیت نداشتن قطعی نیست و دادستان همیشه می‌تواند قبل از شمول مرور زمان کیفری، مجدداً تعقیب کیفری را به جریان بیندازد. عدول دادسرا از تصمیم اولیه، غالباً مربوط به مواردی است که بزهدار مجدداً مرتکب جرمی شود و یا دلائلی به دست بیاید که مسلم شود بزه ارتكابی از جرائم مهمتری محسوب می‌شده که در زمان سنجش آشکار نبوده و یا به تأثیر از عواملی به درجه وخیم‌تری مبدل شده است. چنانکه بعضی موارد ایراد ضرب و صدمات بدنی ساده در معاینات بعدی پزشکی قانونی به نقص عضو و جنائی شدن جرم می‌انجامد.



۲-۱- ماهیت جرایم ارتكابی

صدور قرار ترك تعقیب فقط در جرایم قابل گذشت تجویز شده است. جرایم قابل گذشت، جرایمی هستند که اراده شاکی خصوصی مؤثر در شروع به تعقیب این جرایم است و شاکی خصوصی می‌تواند از حقی که به او داده‌اند صرف نظر کرده و از این حق گذشت نماید. در واقع جنبه خصوصی این جرایم بر جنبه عمومی آن برتری دارد. مطابق قانون مجازات اسلامی چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد. در نتیجه صدور قرار ترك تعقیب فقط در جرایم قابل گذشت تجویز شده است. بنابراین در جرایم غیر قابل گذشت حتی در جنبه خصوصی آن‌ها صدور قرار ترك تعقیب جایز نیست. (مصدق، ۱۳۹۴: ۱۱۵)

۲-۲- محدوده زمانی صدور قرار ترك تعقیب

محدوده زمانی صدور قرار ترك تعقیب، از ابتدای تعقیب تا زمان صدور کیفرخواست است. در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است که شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترك تعقیب کند. در نتیجه صدور قرار جلب به دادرسی مانع صدور قرار ترك تعقیب نیست. در این حالت یعنی اگر پرونده منجر به صدور قرار جلب به دادرسی شده باشد، دادستان متعرض قرار جلب به دادرسی نمی‌شود، بلکه تنها با صدور قرار ترك تعقیب، پرونده به طور موقت بایگانی می‌شود. در صورتی که در مهلت یک سال مقرر در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، شاکی مجدداً تقاضای تعقیب کند، با نادیده انگاشتن قرار ترك تعقیب بر اساس قرار جلب به دادرسی قبلی کیفرخواست صادر می‌شود. (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۴۰) در نتیجه بازه زمانی برای صدور قرار ترك تعقیب حداکثر تا پیش از صدور کیفرخواست است. یعنی پس از صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، صدور قرار ترك تعقیب وجاهت قانونی ندارد.

۲-۳- مقام صادر کننده قرار ترك تعقیب

صدور قرار ترك تعقیب از وظایف و اختیارات ویژه دادستان است و بازپرس در این خصوص اختیاری ندارد، زیرا این قرار معطوف به مرحله تعقیب است. چنانچه بازپرس شرایط صدور قرار ترك تعقیب را احراز کند، می‌تواند صدور آن را به دادستان پیشنهاد کند. در هر صورت نظر دادستان اجرا می‌شود و موقعیتی برای تحقق اختلاف بین بازپرس و دادستان وجود ندارد. در نتیجه در صورت درخواست شاکی و اجتماع شرایط قانونی، دادستان مکلف به صدور قرار ترك تعقیب



است و اختیاری در عدم صدور ندارد. به بیان دیگر دادستان بایستی با اعمال اصل اقتضای تعقیب به جایگزین‌های تعقیب (قرار ترک تعقیب) به ویژه در جرایم خرد و متوسط به رویکردی عطوفت آمیز متوسل شود تا مقامات قضایی وقت و اولویت خود را بیشتر به جرایم سنگین و مجرمین خطرناک اختصاص دهند. (باباخانی، ۱۴۰۰: ۴۷) نکته ای که در این میان وجود دارد این است که چنانچه پرونده ای به صورت مستقیم در دادگاه مطرح شود، آیا امکان صدور قرار ترک تعقیب توسط دادگاه وجود دارد؟^۱

نظر هیأت عالی

در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ که مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود امکان استفاده از ظرفیت قانونی ماده ۷۹ ق.آ.د کیفری در دادگاه با شرایط مربوط فاقد منع قانونی است.

نظر اکثریت

با توجه به اینکه جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ در صلاحیت دادگاه می‌باشد و تمامی اختیارات دادسرا به نوعی در خصوص این جرایم در مرحله تحقیقات و صدور رأی برای دادگاه نیز لحاظ شده است لذا با رعایت مواد ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادگاه نیز می‌تواند قرار ترک تعقیب صادر نماید، چرا که در جرایم تعزیری ۷ و ۸ قاضی دادگاه همان مواردی را که در دادسرا صورت می‌گیرد از جمله تحقیقات و احضار و صدور قرارهای اعدادی و قرار نهایی می‌باشد انجام می‌دهد. استنادات و استدلال‌ها:

۱- در صورتی که اجازه صدور قرار ترک تعقیب به دادگاه داده نشود یک امتیاز ویژه که قانونگذار در جرایم مهم به شاکی داده است و آن عبارت است از اینکه با تقاضای ترک تعقیب به مدت یکسال مطمئن می‌شود که اگر مشتکی عنه یا متهم مجدداً اقدام به اذیت وی نماید می‌تواند مجدداً پرونده را مفتوح نماید از دست می‌رود. در صورتی که اگر این امتیاز منتفی شود دادگاه در صورت رضایت شاکی باید با قرار موقوفی تعقیب پرونده را مختومه نماید یا اینکه اگر ادله را در بدو امر کافی نداند شاید با قرار منع تعقیب پرونده مختومه شود که این موجب جری شدن مشتکی عنه می‌تواند باشد.

۲- وفق ماده ۳۴۰ موارد مربوط به دادسرا برای دادگاه نیز ذکر شده است و هر چند قرار ترک تعقیب ذکر نشده است باید توجه داشت که هیچ قرار تامين کیفری نیز در قانون برای دادگاه ذکر

^۱ صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۰۲ برگزار شده توسط: استان اردبیل / شهر خلخال.



نشده است حال نباید تصور نمود که دادگاه حق صدور قرار تامین کیفری ندارد بلکه تکلیف صدور قرار متصور می‌باشد.

۳- در ذیل ماده ۳۴۱ قانون مارالبیانی عنوان شده است که دادگاه در مواردی که مستقیماً در دادگاه رسیدگی می‌شود باید طبق مقررات مربوط اقدام نماید بنابراین صدور قرار ترک تعقیب در دادگاه نیز امکانپذیر می‌باشد.

نظر اقلیت

در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار صراحتاً صدور قرار ترک تعقیب را توسط دادستان و قبل از صدور کیفرخواست بیان نموده است و هیچگونه اشاره‌ای به دادگاه کیفری دو نشده است و فلسفه رسیدگی به جرایم با درجات تعزیری ۷ و ۸ تسریع در رسیدگی می‌باشد. لذا قانونگذار قرار ترک تعقیب را برای دادگاه شناسایی نکرده است و شکایت مجدد ناشی از قرار ترک تعقیب با فلسفه تسریع در رسیدگی در دادگاه منافات دارد.

۳- اعتراض به قرار ترک تعقیب

مطابق با تبصره ۲ ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری، آراء قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، براءت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست واخواهی یا تجدیدنظرخواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظرخواهی باشد. بر این اساس قرار ترک تعقیب قطعی است و قابل اعتراض نیست. در مقایسه قرار ترک تعقیب با قرارهای موقوفی تعقیب و قابل اعتراض بودن این قرار باید گفت که علت اعطای حق اعتراض یا تجدیدنظرخواهی به شاکی در قرار موقوفی تعقیب این است که پرونده منتج به صدور قرار موقوفی تعقیب برای همیشه مختومه می‌شود، اما پرونده‌های منتج به صدور قرار ترک تعقیب به طور موقت مختومه و بایگانی می‌گردد و شاکی می‌تواند مجدداً و با رعایت شرایط مذکور در ماده ۷۹ قانون آ.د.ک، تعقیب متهم را تقاضا کند و در نتیجه ضرورتی به اعتراض و یا تجدیدنظرخواهی شاکی در قرار ترک تعقیب وجود ندارد. از سوی دیگر نفس قرار ترک تعقیب به نفع متهم می‌باشد و دلیل منطقی برای قابل اعتراض دانستن آن از ناحیه ی متهم وجود ندارد، چرا که در این صورت ممکن است قابل اعتراض قلمداد کردن قرار ترک تعقیب به ضرر متهم تلقی گردد. بنابراین قرار ترک تعقیب قطعی است و هم از طرف شاکی و هم از طرف متهم قابل اعتراض نمی‌باشد.



۴- پیوست ها

نمونه هایی از تجدید نظرخواهی از قرار ترک در رویه قضایی تعقیب بدین شرح است:

شماره دادنامه قطعی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۰۶۱۹ تاریخ دادنامه قطعی ۱۳۹۳/۰۵/۱۸

گروه رأی: کیفری

قرار ترک تعقیب صادره در خصوص بزه رابطه نامشروع، از آرای قابل تجدیدنظرخواهی نیست.

مستندات:

رأی دادگاه بدوی

در خصوص شکایت خانم ف.ح. به وکالت آقای د.ق. علیه آقای م.ح. به وکالت آقای ح.ج. و خانم م.ی. فرزند م. مبنی بر داشتن رابطه نامشروع از طبق مکالمه تلفنی و ارسال پیامک نظر به این که شاکیه فعلاً تقاضای ترک محاکمه متهمین را خواستار گردیده، بنابراین دادگاه مستنداً به تبصره یک ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری قرار ترک تعقیب مشتکی عنه را صادر و اعلام می نماید و در صورت طرح شکایت مجدد قابل رسیدگی خواهد بود. این رأی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در مرکز استان می باشد.

رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی ورامین - قائمی منش

رأی دادگاه تجدیدنظر استان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای م.ح. با وکالت آقای ح.ج. از دادنامه شماره ۹۳۰۲۱۶-۹۳۰۳/۰۳-۹۳ صادره از شعبه محترم ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی ورامین که ضمن آن در خصوص شکایت خانم ف.ح. علیه نامبرده دایر بر رابطه نامشروع قرار ترک تعقیب صادر گردیده است؛ دادگاه نظر به محتویات پرونده با عنایت به اینکه وفق ماده ۲۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و تبصره آن قرار ترک تعقیب از آراء قابل تجدیدنظر احصاء نشده است، لهذا مستنداً به ماده مرقوم قرار رد تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه را صادر و اعلام می دارد. رأی صادره قطعی است.

مستشاران شعبه ۳۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - شفیعی خورشیدی - موسی پور



نتیجه گیری

با توجه به آنچه در این پژوهش بررسی شد، این نتیجه حاصل می‌شود که ترک تعقیب از جلوه‌ها و روش‌های جایگزین تعقیب دعوای عمومی محسوب می‌شود که به دادستان و مقام قضایی این اختیار را می‌دهند که در برخی از جرایم و در مورد برخی از مرتکبین که آثار و نتایج جرم ارتكابی آنان بر جامعه و نظم عمومی اندک و قابل مسامحه است، به جای تعقیب کیفری آنان که اثرات سودمندی را به دنبال ندارد، با صدور قرار ترک تعقیب در جهت اصل اقتضاء تعقیب گامی را بردارند. این قرار با درخواست شاکی در جرایم قابل گذشت تا زمانی که کیفرخواست صادر نشده باعث توقف تعقیب مرتکب جرم شده و امکان تعقیب مجدد مرتکب جرم در محدوده زمانی مشخص برای یک بار با درخواست شاکی وجود دارد. دلایل و توجیهاتی از قبیل جلوگیری از طرح دعوای کم اهمیت و عدم تحمیل هزینه بر دادگستری و پیشگیری از اطاله دادرسی و نیز اثرات تربیتی و اصلاحی بر متهم از مهمترین دلایل استفاده از قرار ترک تعقیب محسوب می‌شود. این قرار اگرچه پروسه دادرسی را کاهش داده و امکان رفع اختلاف وجود دارد، اما در بسیاری از موارد، متشاکی از اعتماد شاکی سوءاستفاده نموده و حتی قضات نیز در اکثر موارد تمایل زیادی به صدور قرار ترک تعقیب ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد باید زمینه‌ای فراهم شود تا تفکر پذیرش تأسیسات ارفاق آمیز از جمله قرار ترک تعقیب توسط قضات ایجاد شود و در مورد استفاده از این تأسیسات ارفاق آمیز توسط قضات در صورت استحقاق مرتکب جرم و فراهم بودن شرایط قانونی، الزام قانونی ایجاد شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- ۱- اباخانی، عرفان (۱۴۰۰)، توافق کیفی ساز و کار جایگزین تعقیب عمومی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، بلژیک و فرانسه)، مجله پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۷.
- ۲- شاکری، ابوالحسن و خدابخشی پالندی، حسن (۱۳۸۹) قرار ترک تعقیب موضوع تبصره ۱ ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و بحث‌های پیرامون آن، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳.
- ۳- طهماسبی، جواد (۱۳۹۵) آیین دادرسی کیفری - کلیات، دعوای عمومی و دعوای خصوصی، ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات میزان.
- ۴- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۹)، جایگزین‌های تعقیب دعوای عمومی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹.
- ۵- مصدق، محمد (۱۳۹۴)، نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با آخرین اصلاحات ۱۳۹۴، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.
- ۶- یوسفی، ایمان و یوسفی، سعید (۱۴۰۱)، تفسیر واقع‌گرایانه در قلمرو دادرسی کیفری (با تأکید بر ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری)، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۵۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Principles and foundations governing the decision to abandon prosecution in Iran's criminal law

Reza Hasannezhad Omrani¹

Article code: JHVMN-2404-1211

Abstract

One of the examples of the principle of proportionality of the prosecution is the order to abandon the prosecution, so that the issuance of this order provides the context for the correction of the defendants who have committed a crime under the influence of the criminal factors around them and there is no beneficial effect of prosecuting them, and it is possible for them to return to It creates the society, and on the other hand, by preventing the filing of minor lawsuits, it provides the possibility of more detailed handling of important criminal cases, and by preventing the delay of proceedings, it helps the judicial system. Based on this, the research method; It is descriptive-analytical and written in a library format. Finally, we will find that despite the fact that the issuance of this order is in favor of both the accused and the plaintiff, and in this way the possibility of compensation for the plaintiff's damage is provided, the judicial authority is not very willing to encourage the plaintiff to request to drop the prosecution in forgivable crimes and issue They do not have this arrangement, and even the number of cases in which, despite the provision of the legally prescribed conditions, an order to abandon the prosecution has been issued, is very small, and this is because the judges have not yet thought of accepting these amicable facilities, and they believe that these facilities Peaceful sanctions are just a type of correctional measures that lack deterrence and cannot be implemented and effective like other punishments. On the other hand, in the few cases where the judges decide to issue an order to stop prosecution, it is simply to avoid the number of cases.

keywords: Abandon prosecution, plaintiff, prosecutor, prosecutor's office.

¹ Law expert, Faran Mehr Danesh Institute of Higher Education and social science expert, research orientation, Tabriz University. (Corresponding author)
rezaomran2023@gmail.com

